



درس سوم

خاتم پیامبران

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ
وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ
وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

محمد پدر شما نیست
بلکه رسول خدا و آخرین پیامبران است
و خداوند به هر چیزی آگاه است

خداوند در این آیه پیامبر اکرم ﷺ را «خاتم النبیین» معرفی می کند. «خاتم» در لغت به معنی نگین انگشتری است. نگینی که در حقیقت مهر بزرگان نیز محسوب می شد و هرگاه که می خواستند پایان نامه یا سندی را امضا کنند، مهر را در پایان آن می زدند و نامه را با آن به پایان می رساندند. رسول خدا ﷺ نیز که تمام کننده و پایان دهنده پیامبری است، «خاتم النبیین» نامیده شده است. خود پیامبر اکرم ﷺ نیز در اجتماعات مختلف، خاتمیت نبوت را یادآوری می کرد^۲ تا پس از ایشان کسی ادعای پیامبری نکند و یا اگر ادعا کرد، مردم فریب او را نخورند و بدانند که او پیامبر واقعی نیست. در این درس به بررسی این سؤالات می پردازیم که:

چه عواملی سبب شد که نبوت با آمدن پیامبر اکرم ﷺ خاتمه یابد؟
با آمدن آخرین پیامبر، وظیفه کسانی که پیرو پیامبران پیشین بوده اند چیست؟

۱- سوره احزاب، آیه ۴۰.

۲- نمونه آن حدیث منزلت است که در درس های بعد با آن آشنا می شوید.

عوامل پایان پیامبری

در عصر پیامبر اکرم ۹ عواملی که سبب تجدید نبوت و آمدن پیامبر جدید بود، از بین رفت و عواملی که انسان‌ها را بی‌نیاز از کتاب جدید می‌کرد پدید آمد، این عوامل عبارت‌اند از:

۱- آمادگی جامعه بشری برای دریافت برنامه کامل زندگی

پایین بودن سطح درک انسان‌ها و عدم توانایی آنان در گرفتن برنامه کامل زندگی از عوامل تجدید نبوت‌ها بود. در عصر نزول قرآن، رشد عقلی بشر به میزانی رسیده بود که می‌توانست کامل‌ترین برنامه را دریافت کند و به کمک این برنامه، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به دست آورد. در واقع، انسان‌ها وارد دوره‌ای از بلوغ فکری شده بودند که می‌توانستند با تفکر در این برنامه نیازهای هدایتی خود را در طول زمان‌های مختلف پاسخ دهند و در هر دوره‌ای به معارف جدیدتر و عمیق‌تری دست یابند.

۲- حفظ قرآن کریم از تحریف

در پرتو عنایت الهی و با اهتمامی که پیامبر اکرم ۹ در جمع آوری و حفظ قرآن داشت و نیز با تلاش و کوشش مسلمانان در دوره‌های مختلف، این کتاب دچار تحریف نشد و هیچ کلمه‌ای بر آن افزوده یا از آن کم نگردید. به همین جهت این کتاب نیازی به «تصحیح» ندارد و جاودانه باقی خواهد ماند.

۳- وجود امام معصوم ۷ پس از پیامبر اکرم ۹

تعیین امام معصوم از طرف خداوند سبب شد که مسئولیت‌های پیامبر ۹، به جز دریافت وحی ادامه یابد و جامعه کمبودی از جهت رهبری و هدایت نداشته باشد.

۴- پویایی و روزآمد بودن دین اسلام

دینی می‌تواند برای همیشه ماندگار باشد که بتواند به همه سؤال‌ها و نیازهای انسان‌ها در همه مکان‌ها و زمان‌ها پاسخ دهد. دین اسلام این ویژگی را دارد که همواره مطابق با نیازهای مردم، خود را به روز نموده است و ظرفیت پاسخگویی به این نیازها را دارد. برخی از ویژگی‌های دین اسلام که سبب این پویایی شده است عبارت‌اند از:

الف) توجه به نیازهای ثابت و متغیر انسان: انسان در زندگی فردی و اجتماعی دو دسته نیاز دارد؛ نیازهای ثابت همانند امنیت، عدالت، شغل، معاشرت، دادوستد با دیگران، ازدواج و تشکیل خانواده، تعلیم و تربیت، و حکومت. این نیازها همواره برای بشر وجود داشته است و از بین نمی‌روند. دین اسلام نیز برای تأمین هر کدام از این نیازها قوانین ثابت و مشخصی دارد.

دسته دیگر نیازهای متغیری هستند که از درون همین نیازهای ثابت پدید می‌آیند. انسان‌ها برای تأمین نیازهای ثابت خود، در زمان‌های مختلف، از روش‌های متفاوتی استفاده می‌کنند؛ به عنوان مثال انجام دادوستد یک نیاز ثابت است، اما شیوه دادوستد برحسب زمان قابل تغییر است؛ دادوستد امروزی (به واسطه اسکناس و کارت‌های اعتباری) با دادوستد گذشته (به واسطه طلا و نقره) تفاوت‌های فراوانی پیدا کرده است. داشتن امنیت هم یک نیاز ثابت است؛ اما چگونگی تأمین امنیت و ابزارها و اسلحه‌هایی که به این منظور به کار گرفته می‌شود، در مقایسه با دوره‌های گذشته بسیار متفاوت شده‌اند. معارف اسلام به گونه‌ای است که متخصصان دین می‌توانند از درون آن با توجه به نیازهای جدید به‌وجود آمده در جامعه، قوانین جدیدی درباره معامله و داد و ستد، خرید و استفاده از سلاح‌های جدید و ... را استخراج کنند و در اختیار مردم قرار دهند.

ب) قواعد تنظیم کننده در اسلام: براساس قواعدی در دین اسلام، مقررات اسلامی خاصیت انطباق و تحرک می‌یابند. این قواعد بر همه احکام اسلامی تسلط دارند. یکی از این قواعد مسلط دین اسلام، قاعده «عسر و حرج» است؛ براساس آیه قرآن؛

ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ^۱ خدایوند در دین برای شما مشقت قرار نداده است.

خدایوند در دین اسلام حکمی قرار نداده است که با عمل به آن مسلمانان دچار سختی غیرقابل تحمل شوند؛ بنابراین، این قاعده بر احکام اسلامی تسلط دارد. یکی از جنبه‌های تسلط این قاعده به این نحو است که کسی نباید در عمل به احکام اسلامی دچار زیان شود؛ به عنوان مثال مکلفی که طبق نظر پزشک روزه گرفتن برایش ضرر دارد نباید روزه بگیرد. وجود این قاعده موجب می‌شود حکم واجب بودن روزه برای آن فرد در ماه رمضان کنار برود و او در وقت دیگری آن را به جا بیاورد.

ج) اختیارات حاکم و نظام اسلامی: یکی دیگر از راه‌های دین اسلام برای پاسخ‌گویی به نیازهای جدید، اختیارات حکومت اسلامی است. تحولات و مسائل اجتماعی گاهی شرایط خاصی را در جامعه اسلامی پدید می‌آورد که نیازمند قوانین و مقررات ویژه آن شرایط است. شرایطی که حاکم اسلامی می‌تواند با توجه به آن احکام جدیدی را وضع کند که در گذشته وجود نداشته است؛ به عنوان مثال در دین اسلام هرکس نسبت به مالی که از راه حلال به دست آورده است دارای اختیار است و می‌تواند به اختیار خود در هر جا و مکانی که می‌خواهد آن را به مصرف رساند، اما اگر حکومت اسلامی تشخیص دهد که برای استقلال سیاسی و اقتصادی کشور لازم است خرید و فروش کنترل شود، می‌تواند با وضع احکام و مقرراتی از تجارت آزادانه افراد جلوگیری کند و به عنوان نمونه محدودیت‌هایی در صادرات و واردات اجناس به عمل آورد.

۱- سوره حج، آیه ۷۸.

بر اساس ویژگی‌هایی که بیان شد، دین آخرین پیامبر الهی، کامل‌ترین و شایسته‌ترین برنامه برای هدایت تمامی انسان هاست و دیگر نیازی به آمدن پیامبر جدید برای آوردن پیام جدید از سوی خداوند نیست.



بر او خلق جهان گشته مسافر
دلیل و رهنمای کاروان‌اند
هم او اول هم او آخر در این کار
در او نازل شده «ادعوا الی الله»^۱
گرفته دست جان‌ها دامن وی^۲

یکی خط است ز اول تا به آخر
در این ره انبیا چون ساربان‌اند
وز ایشان سید ما گشته سالار
بر او ختم آمده پایان این راه
شده او پیش و دل‌ها جمله در پی

وظیفه پیروان دین سابق

وقتی خداوند پیامبر جدیدی برای هدایت مردم می‌فرستد، وظیفه پیروان دین سابق چیست؟ آیا ادامه پیروی از دین سابق مورد قبول خداوند است؟

همان‌طور که بیان شد، خداوند فقط یک دین برای هدایت انسان‌ها فرستاده است که از آن به «اسلام» تعبیر می‌شود. هر یک از پیامبران این راه را در حد فهم مردم زمان خود بیان کرده‌اند. آمدن پیامبر جدید و آوردن کتاب جدید نشانگر این است که بخشی از تعلیمات پیامبر قبلی، اکنون برای مردم مناسب نیست و نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای آنان باشد.

هر پیامبری که می‌آمد به آمدن پیامبر بعدی بشارت می‌داد و بر پیروی از او تأکید می‌کرد. بنابراین وجود دو یا چند دین در یک زمان نشانگر این است که پیروان دین قبلی به آخرین پیامبر ایمان نیاورده‌اند و این خود گمراهی بزرگ و سرپیچی از فرمان خدا و پیامبران گذشته است.

در حال حاضر به جز قرآن کریم هیچ کتاب آسمانی وجود ندارد که تحریف نشده باشد و با اطمینان خاطر بتوان از آن پیروی کرد؛ بنابراین تنها دینی که می‌تواند مردم را به رستگاری دنیا و آخرت برساند اسلام است:

و هر کس که دینی جز اسلام اختیار کند

از او پذیرفته نخواهد شد

و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا

فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ

وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ^۳

۱- سوره یوسف، آیه ۱۰۸

۲- دیوان گلشن راز، شیخ محمود شبستری.

۳- سوره آل عمران، آیه ۸۵.

برخی تصور می‌کنند پیامبران مانند فروشندگان کالا هستند که هر کدام برای خود مغازه‌ای باز کرده و کالای خود را تبلیغ می‌کنند و مردم می‌توانند بین آن کالاها یکی را انتخاب نمایند، در صورتی که پیامبران مردم را به یک چیز دعوت می‌کردند و آن ایمان به خدای واحد بود. بنابراین اگر کسی به آخرین پیامبر الهی ایمان بیاورد در واقع به تمام پیامبران سابق نیز ایمان آورده است. همان‌طور که خداوند به مسلمانان دستور داده است :

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا
 وَ مَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ بِهٖ أَنجَىٰ بَرَابْرَهُمَا وَ إِسْمَاعِيلَ وَ
 وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطَ
 وَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ
 وَ مَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ
 لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ
 وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ^۱

بگوئید ما به خدا، و به آنچه بر ما نازل شده ایمان آوردیم
 و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل شده،
 و به آنچه به موسی و عیسی داده شده،
 و به آنچه به همه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده
 میان هیچ یک از ایشان فرق نمی‌گذاریم؛
 و در برابر او تسلیم هستیم.

فعالیت کلاسی

به دو نمودار ذیل توجه کنید :
 این نمودار میزان پراکندگی ادیان در جهان را نشان می‌دهد.



۱- سورة بقره، آیه ۱۳۶.

به نظر شما، چرا پیروان سایر ادیان پیرو دین آخرین پیامبر الهی نمی‌شوند و همچنان بر دین خود باقی مانده‌اند؟ و چرا از جمعیت هشت میلیاردی دنیا فقط یک و نیم میلیارد نفر مسلمان هستند؟
رو نیارودن پیروان سایر ادیان به آخرین و کامل‌ترین برنامه زندگی بشر دلایل گوناگونی دارد که در اینجا به ذکر برخی از آنها می‌پردازیم :

۱- جهل و ناآگاهی : یکی از دلایل اساسی عدم گرایش سایر ادیان به دین اسلام عدم آگاهی آنان از دین اسلام و محاسن آن است. همواره بزرگان سایر ادیان به دلیل منافع مادی‌ای که برای آنان وجود دارد اجازه نمی‌دهند پیروانشان به دین اسلام تمایل پیدا کنند. این امر موجب می‌شود هم جلوی تبلیغ اسلام را بگیرند و هم اینکه در حد توان اطلاعات نادرستی نسبت به حقایق این دین ارائه کنند تا مردم تمایلی به آن پیدا نکنند و حتی نسبت به آن بدبین شوند. این امر دقیقاً کاری است که امروزه در دنیا علیه دین اسلام صورت می‌گیرد و با تبلیغات گسترده، مردم دنیا را نسبت به دین اسلام بدبین می‌کنند و حتی در برخی نقاط پیروانشان را تشویق به فعالیت علیه دین اسلام می‌کنند.

۲- عملکرد نامناسب مسلمانان : سیره انبیا و ائمه نشان می‌دهد که افراد با دیدن رفتار و اعمال آنان شیفته دینشان می‌شدند، بدون اینکه قبل از آن کلمه‌ای از دینشان تبلیغ کرده باشند. اگر مسلمانان از سیره ایشان پیروی نمایند و به دین اسلام به صورت کامل عمل کنند و آثار زیبای آن را در تمام عرصه‌های زندگی خود نشان دهند بدون اینکه تبلیغی برای دعوت دیگران به دین اسلام انجام دهند، پیروان سایر ادیان به دین اسلام خواهند گروید . اما متأسفانه عملکرد برخی از مسلمانان نه تنها بر اساس تعالیم دین نیست، بلکه عکس آن می‌باشد. بنابراین از علل اساسی که موجب می‌شود پیروان سایر ادیان به دین اسلام گرایش پیدا نکنند نامسلمانی برخی مسلمانان است.

بیشتر بدانیم

برای اینکه با سرنوشت دیگر کتاب‌های آسمانی آشنا شویم، وضعیت آخرین کتابی که قبل از قرآن کریم نازل شده - یعنی انجیل - را که کتاب حضرت عیسی بود، بررسی می‌کنیم.
کتاب انجیلی که اکنون در دست مسیحیان است، خود از چهار انجیل به نام‌های انجیل متی، انجیل مرقس، انجیل لوقا و انجیل یوحنا تشکیل شده است. این انجیل‌ها به نام نویسندگانشان که از یاران و پیروان حضرت عیسی 7 بوده‌اند، نام‌گذاری شده‌اند.

مورخان نوشته‌اند که پس از عروج حضرت عیسی 7 به ملکوت، هیچ اثری از کتاب انجیل در میان مردم نبود. پس از گذشت مدتی، هر یک از یاران حضرت عیسی 7 یا شاگردان آنها،

برداشت‌ها، خاطرات و الهامات خود را از آن حضرت نوشتند و نام انجیل بر آن نهادند؛ به گونه‌ای که ده انجیل تألیف شد. سال‌ها در میان مردم انجیل‌های مختلفی وجود داشت تا اینکه حدود دو قرن بعد، شورای مرکزی مسیحیان تصمیم گرفت که انجیل‌هایی که احتمال نزدیکی بیشتری به انجیل واقعی را دارند مشخص کنند و اجازه انتشار به سایر انجیل‌ها را ندهند. از این رو، چهار انجیل ذکر شده را، با وجود اختلافی که با هم دارند، انجیل راستین و انجیل‌های دیگر را انجیل‌های جعلی و دروغین نامیدند. در حالی که حضرت عیسی 7 فقط یک انجیل آورده بود^۱.

پیشنهاد

آیا شما چند نمونه از احکام دینی و شرعی را می‌شناسید که در چهارچوب تعالیم اسلام به روز شده‌اند؟

۱- برای مطالعه بیشتر در این خصوص به مقدمه آقای جمشیدی غلامی نهاد بر کتاب «انجیل برنابا» (نشر نیایش) مراجعه کنید.